

# عنوان مقاله: روایت های فرهنگی در انسان شناسی هنر

نویسنده: ابراهیم فیاض، اصغر ایزدی جیران

منبع: فصلنامه هنر ۱۳۸۸ شماره ۸۱

صص ۲۰۰-۲۰۸

- توجه انسان شناسی هنر به روایت از آن جهت است که در واقع «انسان ها روایت هایی هستند که آنها رانقل می کنند» (مک آدامز و دیگران، ۲۰۰۶، ۳) اگرچه که انسان شناسی هنر به عنوان یکی از شاخه های انسان شناسی فرهنگی و باستان شناختی در دوران زایش آکادمیک انسان شناسی در مقام حوزه ای خاص از پژوهش مردم نگارانه نگریسته نمی شد، اما می توان حضور موضوعات هنر را در میان آثار بزرگان انسان شناسی ملاحظه کرد.

**حوزه ای خاص از پژوهش  
مردم نگارانه**



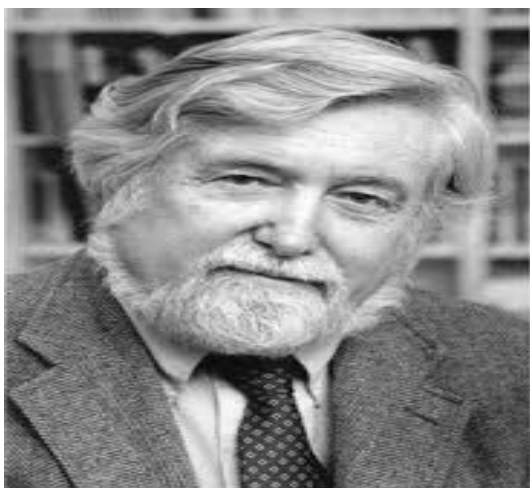
ریموند فیرث

- مطالعه تطبیقی هنرهای مناسکی اقوام سراسر جهان در اثر مشهور **شاخه زرین جیمز فریزر** (۱۸۹۰) هنر نوشتار تصویری در کار ادوارد تالیور (۱۹۶۴)، هنرهای مناسکی قبایل کواکیونل و بررسی سبک هنرهای تزئینی (و نقاشی) بومیان آمریکای جنوبی در آثار فارنتس بوآس (۱۹۳۸، ۱۹۵۵) مطالعه تطبیقی هنرهای تزئینی (و نقاشی) اقوام آمریکایی و آسیایی و ارائه ایده بازنمود نیمه ای در سبک این آثار در کار کلود لوی استراوس (۱۹۶۷) زمینه ها و چارچوب های اجتماعی هنر ابتدایی در آثار ریموند فیرث (۱۹۷۶)



آنتونی فورگ

• باز احیای علایق هنری در انسان شناسان و توجه جدی به آثار و کنش در دهه های ۶۰ و ۷۰ در آثار سه ستن ار انسان شناسان هنر پدیدار شد. نانسی مان، آنتونی فورگ، و دنیل بی بیوک، مان بر هنر قبیله والبیری، فورگ بر سبک و معنای هنر آیلا و بی بیوک بر هنر لگا متمرکز شده و به کاربرست تجربی رویکردهای نظری به هنر می پردازند. آثار هنری در نزد انسان شناسان با عناوینی چون هنر بدوی، هنر غریبه ، هنر باستانی، هنر قبیله ای، هنر باستان شناختی، هنر بومی، هنر پیش کلمبی، مجسمه سازی سیاه پوستان، هنر مردمی هنر سرخپوستی، هنر قومی، هنر سنتی و غیر غربی تعبیر شده است (اینورارینی، ۱۹۵۵، ۳۷۵، سیلور ۱۹۷۹، ۲۶۸)



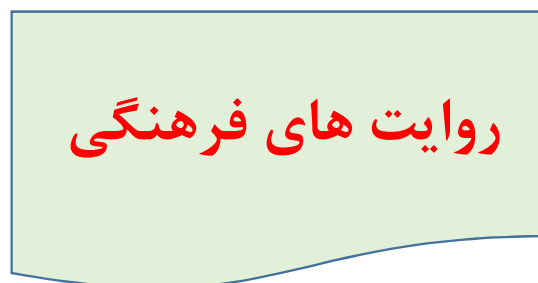
کلیفورد گیرتس

• کلیفورد گیرتس (۱۹۲۶-۲۰۰۶) بنیان گذار انسان شناسی تفسیری، هنر، را «تولید آگاهانه یا ترتیبات رنگ ها، اشکال ، حرکات، صداها با دیگر عناصر به شیوه ای که حس زیبایی را تحت تاثیر قرار دهد» می داند(گیرتس، ۱۹۷۶، ۲۹۷) تعریفی از هنر برای رشته انسان شناسی مفید است که در آن آثار هنری دارای خصوصیت «معنایی» و یا «زیبایی شناختی» باشند و برای اهداف «نمایی» و «بازنمایی» به کار روند (مورفی، ۱۹۹۴-۶۵۵) از آن جایی که کارکرد اصلی و مرکزی هنرها بیان احساسات و عقاید استف انسان شناسان، این فعالیت ها را اشکال «فرهنگ بیانی» در نظر می گیرند.(امیر و امیر، ۱۹۹۳، ۲۵۵)

- جوامع گوناگون بنا به تجربه زیسته خود یا جهان زیست شان دست به خلق سبک های هنری ویژه خود می زنند که از کانال های ذهنی و عینی آن جامعه عبور کرده و به فعالیت هنری تبدیل شده است. بدین ترتیب است که فهم هنر، فهم فرهنگ را لازمه خود می سازد. در واقع هنر یکی از ابزارهایی است که توسط آن تصویر یک فرهنگ در زمان و فضا انتقال می یابد (مورفی و پرکینز، ۲۰۰۶، فکوهی، ۱۳۷۸)

**کانال های ذهنی و عینی آن جامعه**

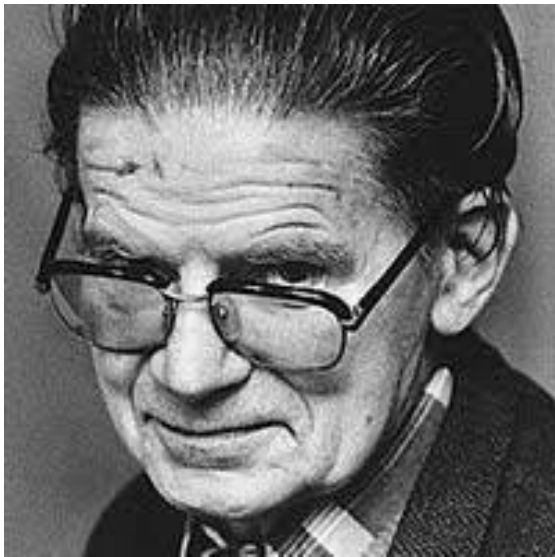
- بنابراین می توان گفت که هنر، روایت فرهنگ است» از این رو هنرمندان راویان فرهنگ هستند. روایت های فرهنگی در قالب اشکال متنوع هنری و آثار هنری بازنمود یافت و بیان می شود. جایی که می توان ارتباط میان روایت و هنر را در انسان شناسی به بهترین وجهی یافت، تعبیر فرهنگ بیانی است.



- روایت، داستانی است که در قالبی ساختی (نوشتاری، گفتاری، شعر، نثر، تصاویر، آواز، تئاتر و ...) خلق شده است که پی‌آیی‌های رویدادهای ساختگی یا واقعی را توصیف می‌کند. در بررسی ارتباط میان روایت و هنر در انسان‌شناسی بایستی به سوی رویکردی از هنر در انسان‌شناسی رفت که فراتر از اثر هنری به مثابه سازمان‌صوری و شکل خوب با شکل زیبا، آن را در ارتباط با عملکردش در نظر می‌گیرد (لیتون، ۱۹۹۱: ۵)

**پی‌آیی‌های رویدادهای  
ساختگی یا واقعی**





آندره لورا- گوران

• اینجا عملکرد هنر به معنای ایده بخشی آن و کمک به ادراک انسان از محیطش است، از این نظر هسته اصلی هنر به وجود آوردن فهمی است برای مخاطب هنر از نظر آندره لورا- گوران (۱۹۱۱-۱۹۸۶) انسان شناسی و باستان شناس، هنگامی که انسان پائولیتیک این مجموعه های نمادها را سرهم بندی می کند. به خاطر این است که می خواهد چیزی بگویند (باستید، ۱۳۷۷، ۹۷) به همین دلیل نمادگرایی (به معنای اعم آن) در تعریف هنر در این رویکرد برجسته و مهم می شود و **لذا کاربرد نظریه های نشانه شناسی و معنا شناسی ضروری است.**

• گیرتس در مقاله هنر به مثابه یک نظام فرهنگی، معتقد است که هنرمند با نشانه‌هایی کار می‌کند که جایگاهی در نظام‌های نشانه‌شناسی با معنایی جامعه‌دارند. در نشانه‌شناسی هنر با نوعی از تاریخ طبیعی نشانه‌ها و نمادها سر و کار خواهیم داشت، «یک مردم‌نگاری از ابزارهای معنا» (گیرتس، ۱۹۷۶، ۱۳۸۸) نشانه‌شناسی برای اینکه در مطالعه هنر کاربرد موثری داشته باشد. بایستی فراتر از بررسی نشانه‌ها به مثابه ابزارهای ارتباطی، کدهای برای رمزگشایی رفته و به سوی بررسی «نشانه‌ها به مثابه شیوه‌های اندیشه» تعبیری برای تفسیر، حرکت کند (همان، ۱۴۹۹)

تاریخ طبیعی نشانه‌ها و  
نمادها

• انواع و شکل هنری با کاربرد نمادهایی که در پی القای اندیشه و ایده ای از جهان زیست هستند و این کاربرد نمادها است که اثر هنری را از دیگر آثار جدا می سازد. به این ترتیب از دیدگاه انسان شناسی اثر هنری معنا دارد و تنها شکل خوب آن ابعاد زیبایی شناختی اثر نمی تواند معین کنند یک اثر هنری باشد.

القای اندیشه و ایده ای از  
جهان زیست

• از این نظر موسیقی می تواند روایت های مختلفی از مفهوم آفرینش باشد و یا بیان احساسات ناب انسانی همچون ایثار، قهرمانی، اضطراب ، رهایی و رستگاری باشد. شعر نسبت به امر معنا و ایده حتی بسیار واضح تر است، چرا که از مقوله زبان عمومی استفاده می کند، اما با کاربری ویژه و شاید حتی نامتعارف از واژگان به نحوی که از اساسی ترین کارکردهای آن «آشنادایی» است (احمدی، ۱۳۸۶، ۴۷) تا تصور دیگری از جهان را توسط واژگان به مخاطب انتقال دهد و آگاهی انسان را دگرگون سازد (ولف، ۱۳۷۶، ۱۱۱) اینجا نیز شکل در اختیار ایده قرار می گیرد.

روایت های مختلفی از مفهوم آفرینش

- در زیبایی ناسی روایت «هنر روایت» کاری به غایت زیبایی شناختی است. در دیدگاه انسان شناختی اشکال مختلف زبانی روایت های مردمی «مانند داستان ها، افساه ها و اسطوره ها نیز تبدیل هنر می شوند. اما هنری بدون مولف. هنرهای مردمی را شاید بتوان به بهترین وجهی در همین آثار انسانی یافت.

- بنیان های ذهنی و اندیشه های کانونی انسان های ابتدایی یا کاربرد انواع نشانه ها و نمادها در داخل روایت هایی گنجیده است که هر یک از آنها معنایی را در هستی شناسی به خود اختصاص می دهند، اما هر یک از روایت ها نهایتاً نیز در داخل مجموعه روایت های یک فرهنگ به سطح دیگری از معنا نیز انتقال می یابند. این مجموعه کلی و منسجم روایتی، ایده و آرمان زیرین یک فرهنگ را نشان داده و تشکیل می دهد.

**بنیان های ذهنی و اندیشه های کانونی**

## هنر و روایت اساطیر



جیمز فریزر

- جیمز فریزر (۱۸۵۴-۱۹۴۱) از بنیانگذاران انسان‌شناسی با مطالعه تطبیقی هنرهای مناسکی افراد گوناگون به این نتیجه می‌رسد که اجرای هنرهای مناسکی در واقع نمایشی شدن یا دراماتیزاسیون اساطیر است (فریزر، ۱۳۸۴، ۶۷۷) از سوی دیگر لورا-گوران با بررسی نگاره‌ها و نقاشی‌های غارهای انسان‌های اولیه نقوش هنر دوره پارینه‌سنگی جدید را اسطوره‌نگاشت می‌داند: «انسان غارنشین این نشانه‌ها را به این منظور با هم تلفیق می‌کند تا یک مجموعه اسطوره‌ای را به زبان تصویر ترجمه کند و یک اسطوره‌نماها یا نمودار اسطوره‌ای بسازد» (باستید، ۱۳۷۷، ۹۷)



- تولد هنر بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال پیش در جامعه انسانی به وقوع پیوسته است هنر شگفت انگیز غارها یا هنر دیواره ای که به صورت بسیار متحول و پیشرفته از جهان است که بدون شک با یک اسطوره شناسی پیچیده همراه شده است (دورتیه، ۱۳۸۲، ۳۲۶)

هنر در غارها



- تصورات و بنیان های روایت های اساطیری خود را در صورت انواع هنرهای ابتدایی باز نمود می ساخته اند. لذا هنر ابتدایی، بیانی اسطوره ای به خود می گیرد و تبدیل به یکی از اصلی ترین کانون های انتقال مفاهیم اساطیری می شود هنر پیش از تاریخ بیش از هر چیز با نقاشی های دیواره ای یا صخره ای، سنگ نگاره ها و صخره نگاره ها شناخته می شود.

**کانون های انتقال مفاهیم اساطیری**

• هنر ابتدایی بستری است برای انسان ابتدایی تا اولین اشکال تفکر درباره شیوه زیست عناصر مختلف کیهان، نیز جایگاه هر یک در این نظام کیهانی، کارکرد و هدفشان در آن بازنمود سازد. نبود شیوه بیان نوشتاری و خط، به این فرایند شدت بیشتری می بخشد. بنابراین می توان گفت که بیان های هنری نه تنها قبل از خط بلکه بل از زبان نظام مند (و نه زبان نشانه ای و نمادین با اصوات نه چندان منظم) به وجود آمده و به ایفای نقش کانونی خویش در گفتار جامعه ابتدایی پرداخته است.

**شیوه بیان نوشتاری و خط**

• ژان کلوت، باستان شناس، و دیوید لوی- ویلیام، انسان شناس، معتقدند که «نقاشی های دیوارهای غارها در ارتباط با مراسم آیین های جادویی بوده اند(دورتیه، ۱۳۸۲، ۳۲۶) آیین های جادویی که به ارتباط انسان ها با نیروهای فراطبیعی و نیز تاثیرگذاری آنها بر انسان های دیگر و نیز نظام طبیعی و مادی کیهان تعلق دارند. در شکل مراسم پر ابهتی برگزار می شده اند،

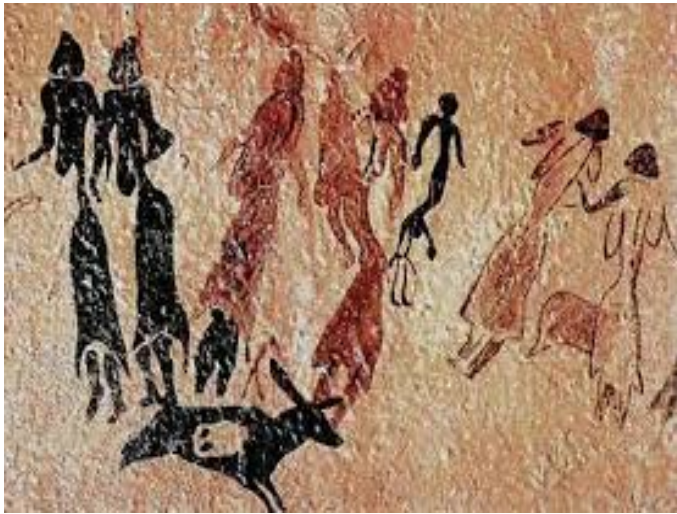
**نظام طبیعی و مادی کیهان**



شمنیسم

- مراسم گرایی رفتارهای جادویی و در شکلی دیگر شمنی از آن رو بوده است که اولاً اجتماع و روح جامعه را گرد آورند و ثانیاً اهمیت وجود یافتن نمایش ها در جهت بقای فرم را برای انسان ها نشان دهند. هنر ابتدایی با عینی کردن ذهنیت (البته در نوع ویژه ای) آگاهی کسب شده را نشان می دهد اما فراتر از آن به جهت بخشیدن اندیشه و آگاهی نیز می پردازد. هنر ابتدایی می گوید که کیهان بایستی چگونه باشد و در این چگونگی انسان ها چه نقش و جایگاهی دارند.

## هنر ابتدایی، امر مقدس و امر نخستین



- انسان های ابتدایی ابزارای بیانی مختلفی را به وجود آورده اند، این ابزارها تمامی زبانی اند(حتی قبل از مستعد شدن ساختار دهان و حلق برای خلق زبان شفاهی ) یعنی گفتاری ویژه در آنها نقش بندی می شوند. شاید قبل از هر چیز انسان ابتدایی از عناصر نزدیک به خود برای گفتن (درباره خود، دیگری، محیط) استفاده می کرده است. بدن، بدن با ساختاری متشکل از اجزایی برای آغاز ارتباط و گفتار ارتباطی سازمان زبانی می یافته است.

هنر پیش از تاریخ

● نشانه هایی با نگاه و یادگیری از اشیا و رویداد های طبیعی (طبیعت شامل گیاهان، حیوانات و دیگر موجودات غیرانسانی) تقلید می شوند و در مرحله بعد اندکی تغییر می یابند تا در قالب و حدود بدن در آیند. اما نشانه های دیگری نیز به کار می آیند و آن دست بردن به اشیا محیط زیستی است. تزئین گرایی بدنی، رنگ های متنوع بر بدن و در بدن جای می گیرند، اشیای بر بدن نصب می شوند و عناصر طبیعی غیر قابل انتقالی در کنار بدن قرار می گیرند. بدن به دلیل اینکه همواره همراه انسان است، سطح عمیق تری از بیان را از دیدگاه هستی شناختی با خود حمل می کند.

**یادگیری از اشیا و رویداد های طبیعی**

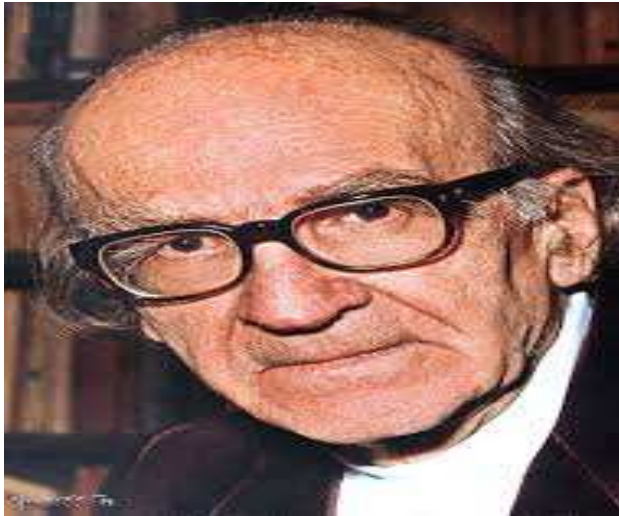
- هنر ابتدایی در قالب های تجسمی (مجسمه سازی و پیکر تراشی) ترسیم (نگاره ها و نقاشی ها) شنیداری (موسیقی و آواز)، نمایشی (انواع مناسک)، کلامی (شعر و روایت) دربردارنده نوع جهان بینی قومی است که شکل متعالی به خود گرفته است و از این رو در ارتباط با امر مقدس قرار دارد.

امر مقدس

• اما در مورد هنر ابتدایی بایستی با تفکیک امر متعالی / امر عادی و گستره آنها با احتیاط برخورد کرد: در زندگی ابتدایی این دوگانه انگاری ها همانند دنیای مدرن متمایز نشده اند. شاید بتوان جلوه بارز بعد معنوی یک فرهنگ را در هنر آن جست. هنرها بیشتر روح فرهنگ را مجسم و منقش می سازند اما باز اندیشه ابتدایی چنان تفکیکی را میان روح/جسم قایل نمی شود که اندیشه جدید چنان می کند. بنابراین می توان گفت که زندگی انسان ابتدایی در هنر و یا هنر صورت می گیرد. بارگذاری معنایی و حک کردن نشانه های نمادین در قالب پیکره، نقش، نت، آوا، نمایش و کلام به مثابه قالب های هنری و زیبایی شناختی، روایتی هر چه عمیق تر از زندگی را نشان می دهد.

**تفکیک امر متعالی / امر عادی**





میرچا الیاده

• با رویکردی تعالی جویانه هنرهای ابتدایی در پی نشان دادن نمونه های آرمانی و اصیل زندگی هستند که در زمانی و مکانی صورت یافته است و اینکه تنها ایده آل در زیرین ترین لایه های ذهنی رسوب یافته است که در هنگام خلق هنری به سطحی بالاتر و محسوس تر و لذا قابل انتقال به شکل هنری می رسد. یکی از این لایه های عمیق و بنیادین ذهنی اسطوره است، اسطوره به مثابه روایت آغازین و لذا روایتی مقدس (رجوع کنید به الیاده ، ۱۳۸۶ ، ۱-۱۰)

• به چگونگی وجود یافتن و آفرینش اولیه کیهان و انسان می پردازد. نخستین اندیشه، نخستین موجود، نخستین انسان، نخستین تمایل ها، نخستین علایق، نخستین تقابل ها و ... پیکره اسطوره را می سازند و همواره نخستین با مقدس تداعی می شود. نخستین چیزها به دلیل اینکه منشا وجودی انسان را بر عهده دارند مقدس اند و چون مقدس اند، خوب هستند و تصور آنها زیبا است.

**آفرینش اولیه کیهان و انسان**

• انسان ابتدایی در مابل اسطوره که نخستین است، خود را در مقام دومین می بیند و از این رو رسیدن به اولین، نخستین، و قدس ترین را هدف محوری و تنها هدف خویش قرار می دهد. اما برای درک نمونه نخستین بایستی ابزای به وجود آید تا انسان را به ژرف ترین سطوح روحی و ذهنی جهت نزدیک شدن به امر نخستین یاری کند: تولد هنر. هنرها چنان عظمت و جایگاه والایی را به دست می آورند که عموماً در مکان های مقدس و زمان های مقدس صورت می یابند.

• هنر تبدیل به عرصه ای می شود که در آن ایده نهایی و آرمان یک فرهنگ به اوج خود می رسد. زاینده گی بی انتهای هنر نیز از همین والابودگی حوزه فعالیت آن است. خلاقیت بی مثال هنر از جایی نشات می گیرد که در آن روح و جسم با نهایت قدرت و تمامیت وجودی به سوی امر والا روی می کنند. زبان هنر زبانی است که گوشه هایی از پدیداری نوع نخستین را نشان می دهد. اما نوع نخستین، نمونه افلاطونی نیست، بلکه برای انسان ابتدایی نمونه پیشین او و لذا نمونه اجدادی اوست که زمانی (در بی زمانی اسطوره ای) وجود حقیقی و واقعی داشته است.

هنرها از این روی شکل می گیرند تا نحوه رخ دادن و کیفیت این نخستین ها را در خود به ثبات برسانند تا اصلی ترین خزانة فرهنگی قومی حفظ و منتقل شود و در این انتقال فرهنگی باز گوشه ای دیگری از این پدیداری توسط نسل های بعدی بر آن افزوده شود (بسط امر نخستین در هنر) هدف از این امر، هنرها و بسط زمانی شان ترسیم اصلی ترین داشته فرهنگی و اصلی ترین شکل آرمانی فرهنگ است.

**اصلی ترین خزانة  
فرهنگی قومی**

• هنرهای ابتدایی به تاریخ (در زمانی) سعی در گردآوری روایت نخستین انسان دارند. روایتی که بهترین و زیاترین الگوی زیست را برای آن فرهنگ به وجود می آورد و آن را گام به گام به نخستین خود نزدیک می سازد. زایش هویت، روایت نخستین روایت هویت است، روایت خود است و این اصلی ترین دلیل تقدس روایت های امر نخستین است و هنرها که به دنبال بیان های مختلفی و متنوعی (در اشکال تجسمی، ترسیمی، آوایی و ...) از این روایت اند، مقدس می شوند. لذا هر بیان هنری بیان خود می شود و از این رو شورانگیز و برانگیزاننده و محرک است، هنرهای ابتدایی نمایش دهنده هویت نخستین یک فرهنگ هستند.

**زایش هویت، روایت نخستین روایت هویت است،**